

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۹

جامعه و افق‌های الترناتیف!

اضافه‌گویی نیست چنانچه خواهیم از بی‌مجبوری عناصر و نیروهای مدعی منافع سازندگان اصلی جامعه ایران بگوئیم. طبقه کارگر و اقشار متعدد زحمتکش، زنان و دیگر محرومان، بارها و بارها نیازمندی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عملی خود را به اشکال گوناگون، به گوش همه و به ویژه به عناصر و به نیروهای مدعی مدافع خود رسانده‌اند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز، صدای رسا و استخوانی جنبش‌های اعتراضی کارگران، خلق‌های ستمدیده و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی را شنیده‌اند؛ به طور دقیق شنیده‌اند و پاسخ آن‌ها را هم هر بار، به سبوعانه‌ترین شکل ممکنه داده‌اند.

صف‌ها کاملاً روشن و مرزبندی‌های گفتاری و کرداری، وقت و جانی برای توهم، و یا ناروشنی از خواست‌های بالائی‌ها و پائینی‌ها باقی نگذاشته است. گریویچ‌های سیاسی - آرمانی در کار نیست و طبقه حاکمه، بخوبی بر وظایف خود آشناست و بی‌انگیزه نیست که به مدت چهار دهه، جامعه را در دستان خود قبضه و طناب اسارت و بندگی کارگران، زحمتکشان، زنان و محرومان را سفت و سفت‌تر کرده است. پیدائی صدای سران حکومت را می‌شود در گسیل ارگان‌های سرکوب‌گرشان به مطالبات پایمنی توده‌های ستمدیده به‌عینه دید. در حقیقت طرح و نقشه سران حکومت جمهوری اسلامی، پیش از بر سرگماری‌شان از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی نوشته شد و پراتیک روزهای آغازین و تا به حال‌شان هم، خلاف این مسأله نیست که جامعه و کارگران، زحمتکشان و زنان همچنان به مانند رژیم پیشین، در منگنه تعرض افسار گسیخته حکومت‌مداران، و در پوشش سیاست‌های استثمار و اجحاف‌گرانه مدافعان مناسبات امپریالیستی قرار دارند.

این صورت کلی جامعه‌ای است که حاکمان و دولت‌مردان ایران برای سازندگان اصلی آن ساخته‌اند. یکی از طرف‌های دیگر - یعنی طرف سوم -، کمتر حقیقت‌جو، واقع‌گر و یا آماده برای دفاع عملی از منافع کارگران و زحمتکشان است، اما و در عوض خود را در مقام فرمانده جنبش‌های اعتراضی همچون کارگران و دیگر توده‌های ستمدیده و جوانان قرار داده و بر این نظر است، تا چاله‌ها و فرورفتگی‌های سیاسی - حضوری را، با خودشیفتگی سیاسی و همچنین با الفاظ و با طرح شعارهای بدون پشتوانه‌های عملی پُر کند؛ حضور ندارد و غیر مسؤولانه جایگزینی آن را، در تشویق مردم و جوانان، به انجام ناکرده‌های سازمان‌ها و احزاب کمونیستی می‌بیند؛ بی‌عمل است و عمل مؤثر را، از جامعه بدون هدایت کمونیستی می‌طلبد. متأسفانه در اثر دوری طولانی از مبارزه رودرو و طبقاتی، افق‌هایش کمسو و تاریک

شده است و اگر بنابه دلالتی همچون کهولت، مشکلات و ناتوانی جسمی - سازمانی، و یا بی‌پتانسیلی مبارزاتی، قادر به دخالت‌گیری‌های عملی و نقش‌آفرینی سرزنده کمونیستی در درون جامعه و در میان اعتراضات کارگری و توده‌ای و جوانان نیست؛ در عوض تلاش نورزد تا جوانان را بدون حمایت‌های سازمانی - حزبی، مرغوب‌ترین شکل از مبارزه - یعنی مبارزه مسلحانه - کند. به عبارت ساده‌تر، دعوت نمودن کارگران، زحمت‌کشان، مردم و جوانان، به مبارزه مسلحانه با ارگان‌های سرکوب حافظ بقای امپریالیستی و آن‌هم بدون حضور و سازماندهی کمونیستی، چیزی جز گوشت دم توپ قرار دادن آنان در برابر رژیم سرایا مسلح و خشن نیست. نمی‌توان و در حقیقت صحیح نیست تا وقت و بی‌وقت، مردم و جوانان را به انجام انقلاب و رودروئی - بدون برنامه روشن و هدفمند -، با ارگان‌های سرکوب‌گر نظام فرا خواند و تکالیف و مشق‌های نانوشته خودی را از آنان طلب کرد؛ به این علت که در این چهار دهه بیش از اندازه، طبقه کارگر، زنان، جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی از خود مایه گذاشته‌اند؛ بیش از اندازه کارخانداران، کارفرمایان و دم و دستگاه‌های سرکوب نظام را به نبرد فرا خوانده‌اند و بالاخره بیش از اندازه، تاوان شهامت و جسارت‌های‌شان را باز پس داده‌اند. کشاکش دو طرف قضیه - یعنی نظام از یکسو و کارگران و زحمت‌کشان و جوانان از سوی دیگر -، صحن جامعه را زیر و رو کرده و مشاهده شده است که سران نظام، از حضور و از عکس‌العمل‌های بی‌وقفه کارگری و توده‌ای، بسیار ناآرام و شتاب‌زده‌اند. پس عنصر و چپ مدعی منافع توده‌های محروم نمی‌بایست و نباید، بیش از این طالب وظایف سازمانی - حزبی از سوی جنبش صدمه‌دیده باشد؛ برای این که تبیین، پیشرفت و انجام انقلاب، شایسته پیش‌شرط‌ها، و به ویژه شایسته آگاهی و هدایت‌گری کمونیستی است. با این اوصاف پرتاب فرامین عملی و غیر مسؤولانه، نه تنها نشان از اعتقاد به منافع کارگران و توده‌های ستم‌دیده نیست، به عکس بی‌نشانی از باوری به آرمان کمونیستی است. بارز است که تفاوت بس عظیمی بین انجام وظایف کمونیستی، با وظایف خودجوش طبقه کارگر و جوانان در برابر استثمارگران و سرکوب‌گران - که خوشبختانه رقم آن‌ها از هزاران گذشته - است. به هررو انحرافات و بی‌دقتی بسیار عظیمی که می‌توان هم از جانب "قلم‌زنان" دنیای مجازی و هم از سوی "سازمان‌ها" و "احزاب" مدعی تغییر جامعه سرمایه‌داری، به‌عینه رویت نمود.

به عنوان نمونه می‌خوانیم: "مردم آزادیخواه!، جوانان! در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحد‌های مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید. زنده باد واحد‌های مقاومت انقلابی!

... علیه همه کسانی که حکم اعدام صادر می‌کنند و مجری آن هستند، و علیه نیروها و افرادی که در زندانها بازجو و شکنجه‌گر و متجاوزگر هستند، یا بنا به وظیفه کثیف مزدوری، افسار "آتش به اختیار" و عقاید خرافی دینی و راسیستی شان علیه جامعه را شده است، علیه نیرو و افرادی که بنا به دستور جمهوری اسلامی برای آزادیهای زنان و جوانان و کودکان و دیگر شهروندان مزاحمت ایجاد می‌کنند و دست به اقدام خشونت آمیز می‌زنند، و از جمله علیه همه دستور دهندگان و مجریان مسلح و غیر مسلح که در سرکوب مستقیم اعتراضات کارگری و توده‌ای نقش جنایتکارانه داشته و دارند و اعتراضات و اعتصابات را سرکوب می‌نمایند، و...، باید به میدان آمد و آنها را با قدرت و به شدت ترین شکل ممکن تنبیه نمود! و ..

برای همفکری و راهنمایی‌های لازم با آدرس مایلهای زیر می‌توان تماس گرفت «سلام زیجی».

براستی کجای قضیه برای میلیون‌ها انسان دردمند و جوانان ناروشن است؟ دشمن را شناخته‌اند؟ در میدان نیستند؟ از درک ماهیت لمبیدگان و فسیل‌های انقلاب غافل مانده‌اند و یا این که نمی‌دانند، گیر قضیه و در حقیقت بردوامی نظام در اثر چیست؟ مگر کارگر نمی‌داند چه کسانی و به چه دلیلی حقوقش را بالا می‌کشند؟ یا زنان نمی‌دانند که دلیل قواره‌های بی‌قواره بر سر و تن‌شان، و همچنین محروم شدن از بعضی دُروس تحصیلی و کاری در چیست؟ مگر کودک کار

خیابانی، که در خیابان‌های ناامن ایران به کارهای کاذب مشغول است، نمی‌داند دلیل آن به نداری والدینش بر می‌گردد؟ و

خلاصه همه و همه - من حیث المجموع -، از ماهیت و از اعمال سران نظام و تمامی عناصر و ارگان‌های ریز و دشت و ایستگاه‌شان، واقف‌اند. چنین شناختی را با صدائی رسا و در درگیری‌های خیابان به خیابان، در درون کارخانه‌ها و دیگر میادین استثمار و سرکوب و آن‌هم با عریانی تمام مبنی بر این که سران نظام جمهوری اسلامی با تمامی دار و دسته‌های‌شان، برارزنده هدایت میلیون‌ها انسان بی‌حقوق و رنج‌دیده نیستند، اعلام کرده‌اند. براستی افق‌ها و خواست‌های قربانیان مناسبات فرتوت امپریالیستی روشن و مشخص می‌باشد و ایراد اساسی کار، به مراتب فراتر از جامعه ملتهب ایران است. کارگران در درون کارخانه‌ها، آماده هرگونه جان‌فشانی‌اند؛ جوانان و زنان در خیابان‌ها نه بارها و بارها، بسا که هزاران مرتبه در برابر ارگان‌ها و لباس شخصی‌های سرکوب نظام ایستاده‌اند و سر از زندان‌ها، شکنجه‌گاه‌ها در آورده‌اند و بعضی از آنان جان‌شان را از دست دادند. باور کنید مکان نقشه و دستور تعرض به مردم، و همچنین پایگاه‌های سرکوبی همچون سپاه و غیره، در معرض دید همگان است و نیاز به دقت خارق‌العاده، شناسائی و یا تحقیق دقیق و آن‌چنانی نیست؛ باور کنید موقعیت، جا و مکان دو طرف روشن است و طرفین بر تکالیف‌شان آگاه‌اند و در این وسط، تکالیف حامیان طبقه کارگر، زحمت‌کشان، جوانان، زنان و دیگر ستم‌دیدگان ناروشن می‌باشد!

همانگونه که پیش‌تر آمده است، رویت چنین نظرات غیر مسؤولانه، فراوان‌اند و در حقیقت طرح مورد فوق، مثنی از خروار است. در هر صورت اولین سؤالی که در مقابل همه و از جمله مدعیان هدایت جامعه ایران قرار دارد، آن است که با کدامین سازمان و حزب، و یا با کدامین پشتوانه‌های بینشی و ابزاری، جوانان می‌توانند "واحدهای مقاومت انقلابی" را سازمان دهند و جنایت‌کاران و سرکوب‌گران نظام و حامیان آنان را تنبیه کنند؟ پس در این وسط جایگاه و نقش عملی تجمعاتی همچون "حزب سوسیالیسم انقلابی ایران" مدنظر «سلام زیجی» چیست؟ علاوه بر این‌ها تکالیف عملی‌شان در برابر ارگان‌های وحشی و سرکوبگر رژیم که چهار دهه طبقه کارگر، جوانان و زنان را در به در و نابود کرده است، چیست؟ خلاصه تا چه زمان می‌توان بار وظایف مدعیان کمونیست را از توده‌ها و از دیگر قربانیان نظام امپریالیستی طلب نمود؟

دریغاً، پُرسش‌هایی که نزدیک به چهار دهه، در صندوقه سازمان‌ها و احزاب ادعائی منافع توده‌های ستم‌دیده و محروم، خاک خورده است و حاضر به گردگیری و به ویژه پاسخ‌گویی بدان‌ها نیستند. باری، نه تنها دوستان "حزب سوسیالیسم انقلابی ایران"، بلکه همه عناصر و همه تجمعات چپ خارج از کشوری، به درد مزمن بی‌مسئولیتی، به درد مزمن بی‌عملی، به درد مزمن بی‌حضوری گرفتار شده‌اند و حاضر به سخن گفتن سراسر است، رودررو و صادقانه با مردم خودی نیستند و پیداست که داروهای مسکن، بیش از این درمان‌کننده نیست و نیاز به عمل جراحی سیاسی دارند. علاوه بر همه این‌ها بسیار تعجب‌آور است که می‌خوانیم، "جریان" مدافع تئوری مبارزه مسلحانه، طلب‌کننده مبارزه مسلحانه از جانب طبقه کارگر و جوانان بی‌ارتباط با خود است! سؤال برانگیز است که "حزب کمونیست" در انتظار اعلان حزب "تازه‌تر از سوی جوانان داخل است! و غیر مسؤولانه است که افراد پراکنده و مستقل از تجمعات خارج از کشوری هم، از روی تکبر و خودستائی خود را در مقام "حزب" و "سازمان" قرار می‌دهند و طبقه کارگر را به انجام "مبارزه مسلحانه" و "حزبی" فرا می‌خوانند!!

حقیقتاً از عجایب است که "آلترناتیو"های حکومتی - دولتی و به ویژه "آلترناتیو"های "سازمانی" و "حزبی"، در انتظار و چشم به راه آلترناتیوهای دیگر اند!!

این‌ها افق‌های پیروان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است و بدون تردید، خواندن موارد فوق نه تنها شگفت‌انگیز، بلکه بازگو کننده افت سیاسی حاملان چنین ایده‌هایست. بدین‌ترتیب و خلاف افکار "حزب سوسیالیسم انقلابی ایران" و نگرش‌های از این‌دست، باید گفت که وظایف ثمربخش کمونیست‌های دهه آخر عمر نظام شاهنشاهی، به گونه دیگری تعریف شده است و آن رفقا علی‌رغم پائین‌ترین امکانات مبارزاتی، پیشقدم شدند و با عمل انقلابی خود نقبی به قدرت تاریخی توده‌ها زدند. بی‌دلیل نبود که توانستند توجه افکار و نیروی جوان را به سمت ایده و عمل کمونیستی‌شان جلب کنند.

در خاتمه این که سران نظام جمهوری اسلامی - به مانند نظام پیشین -، دریده و درنده‌اند و در این‌مدت، تجارب بس زیادی کسب کرده‌اند؛ بر راه‌های شناسائی و کشف فعالیت‌های مبارزاتی جوانان آشنا و به قدرت دم و دستگاه‌های جاسوسی‌شان، به هر کوچه و پس کوچه‌ای، به هر خانه و میدانی و همچنین به درون هر جعبه ارتباطی سرک کشیده و می‌کشند تا هرگونه جنبش اعتراضی و به ویژه تحرکات عملی جوانان را در نطفه خفه سازند. پس نمی‌توان از طریق دنیای مجازی و یا با تماس‌های میلی، جوانان را "راهنمایی" کرد و آنان را برای کار فراتر، فرا خواند! بی‌گمان ارائه چنین نظرات و یا "راهنمایی"‌هایی فاقد اعتبار و زیانکار است.

خلاصه و بنابه تجارب جنبش‌های کمونیستی و نیز با اطمینان می‌توان گفت که جامعه اعتراضی و جوانان، درس‌های لازمه را در کشاکش مبارزاتی با طبقه حاکمه خواهند آموخت و روز و روزگاری، از میان آشفتگی‌های سیاسی و نظامی، و همچنین بدون "پند و اندرز"‌های این و یا آن، پرچم آلترناتیو منطبق با قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه را علم خواهند کرد. این خاصیت و خمیرمایه مبارزه طبقاتی و بی‌رحم زیر سلطه نظام امپریالیستی است.

۲۹ سپتامبر ۲۰۱۹

۷ مهر [میزان] ۱۳۹۸